

## بدون تعارف

هر جاکم آوردی  
چند صفحه فلسفه  
قافی داستان کن!

اگر قرار باشد رمانی را برای مطالعه انتخاب کنید چه ویژگی‌هایی را مدنظر قرار خواهید داد؟ احتمالا باید نویسنده را بشناسید یا حداقل بدانید که مؤلفی است آن‌گونه که شما می‌پسندید، بردن جایزه‌های مهم ادبی هم دلیل خوبی باید باشد یا معرفی توسط



محمدعلی یزدانیار

قفسه کتاب

دوستی که به ذائقه‌اش اعتماد دارید. نمره خوب در سایت‌های ادبی، نقدهای مثبت و شهرت در بازار کتاب ایران به احتمال بالا اصلی‌ترین دلایل انتخاب یک کتاب هستند.

«درک یک پایان» نوشته جولین بارنز در تمام مؤلفه‌های بالا خوش می‌درخشد، از نام و آوازه مؤلف تا بردن بوکر ۲۰۱۱، نمرات بالا و نقدهای مثبت. من کتاب را به توصیه دو نفر خواندم که ذائقه یکی‌شان را همین امروز هم قبول دارم و با این همه درک یک پایان برای من نه اثر شاخصی بود، نه

اثری پیچیده، نه ثقیل و نه حتی پایان‌بندی جنون‌آمیز کتاب باعث شده که از داستان خوشم بیاید.

بدون تعارف عرض کنم، درک یک پایان لیاقت شهرتش را ندارد. مهم‌ترین ضعف این رمان از نظر من این است که غرق

فلسفه و لفاظی است. البته

فلسفی داستان نوشتن و داستان فلسفی نوشتن ضعف نیست بلکه صفحات رمان را با کلاس درس و تربیون سخنرانی و جلسات مناظره اشتباه گرفتن است که هم ضعف است و هم عیب! بارنز اصرار دارد که بیانیه بدهد، بیانیه‌هایش را هم می‌گذارد در دهان تک‌تک کاراکترهایش.

او این ماجرا را تا جایی جلو می‌برد که حتی بین عاشق و معشوق هم با بهانه‌های فلسفی جروبحث راه می‌اندازد. آتش فلسفه در این رمان زیادی شورا است. اصلا من همیشه

تعجب کرده‌ام وقتی یک گونه ادبی - جستارنویسی - به‌طور تمام و کمال در اختیار نویسنده‌هاست تا دغدغه‌هایشان را قلمی کنند چرا این عزیزان چسبیده‌اند به این که داستان را به قیمت از داستان افتادندش پر کنند از فلسفه و دغدغه؟

آدریان، مهم‌ترین شخصیت داستان همیشه یک کتاب از کامو در دست دارد و من دوست دارم بنویسم رمان بارنز نمونه ضعیف و نحسب یک رمان کامویی است. در

داستان‌های کامویک تصادف، یک اتفاق عادی و روزمرگی‌ها بن‌مایه داستان و بسط اندیشه و فلسفه در آن قرار می‌گیرد و بارنز اینجاست که مسیر خودش را گم کرده، ماجرای اصلی

داستان در بهترین حالت و با اغماض سطحی است. رابطه یک گروه جوان با هم، عشق دو نفر از آنها به یک دختر و رابطه بین این گروه چند نفره کشش این حجم از ادای اندیشه‌ورزی را دارد؟ جایی خواندم که یکی از خوانندگان کتاب نوشته بود:

«آیا این همه پیچیدگی و رازآلودگی و جملات پرطمطراق فلسفی برای همچین درونمایه بی‌مایه‌ای لازم بود؟» که سخنی است حق!

آخرین حرفم را هم بگویم و تمام. خیلی‌ها شوک پایان کتاب را دوست دارند، خیلی‌های دیگر پایان‌بندی کتاب را شاهکار می‌دانند و من هم نظر منفی خاصی در این باره ندارم. عیب کار اینجاست که درک یک پایان، خیلی زودتر از صفحات آخر از رمق افتاده و این پایان‌بندی حتی اگر خوب هم نوشته

شده باشد به تن داستان زار می‌زند.

نویسنده:

جولین بارنز

ترجمه:

حسن کامشاد

انتشارات:

نشر نو

۲۱۲ صفحه

۴۳۰۰۰ تومان

چند کیلومتر آن طرف‌تر  
دهانه آتشفشان است

زمین یعنی همین جایی که رویش راه می‌رویم، در هوای اطرافش نفس می‌کشیم، در ساحل دریایش طلوع و غروب خورشید را به نظاره می‌نشینیم و از رعدوبرق و توفان‌هایش به خانه‌هایمان پناه می‌بریم. اما زمین ما تنها همین رویه سطحی نیست که می‌بینیم. غارهایی که به عمق راه دارند و آتشفشان‌ها چه؟ آنها به کجا می‌رسند؟ این همان چیزی است که ژول ورن، نویسنده محبوب فرانسوی در رمانی برایمان نوشته است.

«سفر به مرکز زمین» یک رمان علمی است که ژول ورن در قرن ۱۹، زمانی که هنوز بشر نتوانسته بود شرایط سفر به فضا و زیردريا را فراهم کند، با قدرت تخیل قوی خود به رشته تحریر درآورده است. آکسل، پسری نوجوان که همراه عموی پرفسورش به دهانه یک آتشفشان خاموش می‌روند و چند هزار کیلومتر آن طرف‌تر از دهانه یک آتشفشان فعال به بیرون پرتاب می‌شوند، آن‌هم با راهنمایی‌های یک کتاب. اما چطور؟ برای این‌که بدانید در میانه این چند هزار کیلومتر چه اتفاقاتی افتاده و چه چیزهایی دیده‌اند، بهتر است سری به کتابفروشی‌های شهرتان بزنید و این کتاب کم‌حجم، خوشخوان و ساده ژول ورن را طلب کنید. به همین آسانی!



شود. در میانه راه او با بود کشمکش دارد و در اد ماندنی کتاب می‌توان کردن میشل استروگف جذاب در زمان خودش بقیه‌بندی کتاب نوجوان

## نوب کجا؟

گ زیر دریا»، داستان سفری در طول دریا‌های مختلف است و با این فکر که بیست هزار فرسنگ ن سفری که پروفیسور همراه دستیارش و یک شکارچی نهنگ، به صورت اتفاقی تجربه می‌کنند. می‌پیمایند، گونه‌های مختلف و رنگارنگ ماهی‌ها را می‌بینند. در آتلانتیس اسطوره‌ای قدم ژول ورن، ما را از تونل عربی که دو دریا را به هم وصل می‌کند، عبور می‌دهد و به قطب جنوبی

س در یخ‌ها زیر آب قطب گیر می‌کنیم.

حتی امروز، تخیل ما را قلقلک می‌دهد و ذهنمان را به سفری بیست هزار فرسنگی زیر دریا می‌برد.

